

متن پرسش

سلام علیکم: عرض ادب خدمت شما استاد گرانقدر. این که وجود حقیقتیست بسیط و واجب، پس چگونه ما در این فضا پای ممکن و طلب وجودی آن را پیش می کشیم؟ و حتی تشبیه آینه را به کار بردن، آیا منافی علم باری تعالی که احاطه محض است، نیست؟ آیا از آن جهت نیست که ما دوباره داریم از دریچه نظر خود، به مسئله می نگریم؟ بله، در دستگاه دید از منظر کثرات، شاید بتوان این موارد را توجیه کرد، اما در دستگاهی وسیع تر و وجوب محض، چگونه ممکن را جای دهیم تا بعد طلب وجودی آن را مطرح کنیم و یا حتی اعیان و اسما را جای دهیم؟ ممنون می شوم که بنده را راهنمایی بفرمایید که اگر حقیقت اصیل آن شدت است، این گونه امور را چگونه لحاظ کنیم بدون آن که بخواهیم از منظری دیگر مشاهده کرده و یا آن حقیقت را تنزل دهیم متشکرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ممکن الوجود در ذات خود لاقتضاء است، نه اقتضاء وجود دارد و نه اقتضاء عدم. ولی در علم خدا به عنوان وجودی علمی، امکان تحقق دارد. و در واقع باز خدا در میان است و لاغیر. حال اگر خدا اراده کرد آن صورت علمی را به حکم «کن» تعین بخشد؛ ممکن الوجود، تحقق عینی در منظر حق به خود می گیرد ولی به حکم وحدت شخصیه وجود، در حضور بیکرانه خداوند است. موفق باشید